اخبار

عراق بسته شدن حریم هوایی خود را تکذیب کرد



دفتر فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق اخبار برخی شبکه‌های اجتماعی درباره بسته شدن حریم هوایی عراق به مدت ۷۲ ساعت را تکذیب کرد.

به گزارش خبرگزاری ملی عراق (نینا)، ژنرال «سعد معن» رئیس اداره روابط عمومی و ارتباطات دولتی در دفتر فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق هر گونه تصمیم برای بستن حریم هوایی این کشور را تکذیب کرد.

وی گفت: اخبار برخی شبکه‌های اجتماعی درباره بسته شدن حریم هوایی عراق به مدت ۷۲ ساعت صحت ندارد. حریم هوایی عراق باز است و پروازها به طور عادی در جریان است و هیچ گونه تصمیمی برای بستن حریم هوایی اتخاذ نشده است.

معن تصریح کرد: ویدئویی که در این زمینه منتشر شده مربوط به گذشته است که برخی تغییرات روی آن انجام شده و واقعی نیست.

وی از کاربران و دنبال‌کنندگان شبکه‌های اجتماعی خواست تا در انتقال اطلاعات دقت لازم را داشته و مسوولانه عمل کنند و تحت تأثیر ویدئوهای تقطیع یا ویرایش شده قرار نگیرند و به انتشار شایعات دام نزنند و ضروری است که برای اطلاع از اخبار و اطلاعات از منابع رسمی استفاده شود.

گام تازه چین در توسعه هواپیماهای تجاری تمام‌برقی



چین با انجام موفق نخستین پرواز سرنشین دار هواپیمای تجاری تمام برقی ۱۹ نفره خود، گام تازه ای در توسعه فناوری‌های نوین هوانوردی برداشت؛ دستاوردی که در کنار پیشرفت سامانه های پرواز خودکار، می‌تواند مسیر توسعه هواپیماهای برقی برای حمل و نقل منطقه‌ای و کوتاه برد را هموارتر کند.

به گزارش ایرنا از خبرگزاری شین‌هوا، شرکت هواپیماهای تجاری چین (کوماک) اعلام کرد که هواپیمای تجاری برقی «۲۵A-CE» با وزن رده ۱۰ تن، امروز نخستین پرواز سرنشین‌دار خود را با بهره‌گیری از سامانه پرواز هوشمند در استان «شاندونگ» در شرق این کشور با موفقیت به پایان رساند.

این هواپیما در جریان پرواز آزمایشی خود حامل ۲ خلبان و یک مهندس آزمایش پرواز بود و تمامی شاخص‌های فنی آن مطابق با انتظارات و در وضعیت عادی ثبت شد.

این دستاورد پس از نخستین پرواز هوشمند بدون سرنشین این هواپیما در تاریخ دوم فوریه (۱۳ بهمن ۱۴۰۴) رقم خورده و گامی مهم در روند توسعه آن به شمار می‌رود.

این نهاد افزود: این هواپیما ظرفیت حمل ۱۹ مسافر را دارد.

همچنین، سرعت کروز این پرنده ۳۰۰ کیلومتر بر ساعت، ارتفاع پرواز کروز آن ۲ هزار و ۴۰۰ متر و برد پروازی آن ۴۰۰ کیلومتر اعلام شده است.

این هواپیما به‌طور مشترک توسط شرکت «کوماک»، «آکادمی فناوری پرتابگرهای فضایی چین» (CALT) و «دانشگاه جیائو تونگ شانگهای» توسعه یافته و تاکنون ۱۹ آزمایش پرواز خودکار بدون سرنشین را پشت سر گذاشته است.

سازمان هواپیمایی کشوری چین نیز درخواست دریافت گواهینامه نوع (تاییدیه ایمنی و طراحی) این هواپیما را پذیرفته است.

«ابتکار» از طرح جدید صلح برای جنگ اوکراین گزارش می‌دهد

دونباس در ازای ناتو

گروه بین‌الملل - پیشنهاد تازه آمریکا به اوکراین برای عقب‌نشینی از دونباس در برابر عضویت در ناتو، یکی از حساس‌ترین معادلات جنگ روسیه و اوکراین را دوباره به مرکز مذاکرات بازگردانده است. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، اعلام کرده که فرستادگان واشنگتن برای نخستین بار امکان چنین توافقی را در گفت‌وگوهای اخیر مطرح کرده‌اند؛ پیشنهادی که در صورت تبدیل شدن به طرحی رسمی، می‌تواند مسیر پایان جنگ را تغییر دهد. بااین‌حال، آنچه در ظاهر معامله‌ای میان سرزمین و امنیت به نظر می‌رسد، در عمل با مجموعه‌ای از موانع حقوقی، سیاسی و راهبردی روبه‌روست. مهم‌ترین پرسش این است که آیا کی‌یف حاضر خواهد شد برای تضمین آینده خود از مواضع نظامی‌اش در دونباس عقب‌نشینی کند و آیا مسکو اساساً عضویت اوکراین در ناتو را خواهد پذیرفت؟



مهم‌ترین پرسش این است که آیا کی‌یف حاضر خواهد شد برای تضمین آینده خود از مواضع نظامی‌اش در دونباس عقب‌نشینی کند و آیا مسکو اساساً عضویت اوکراین در ناتو را خواهد پذیرفت؟

پیشنهاد واشنگتن؛ سرزمین در برابر امنیت

به گزارش ایسنا به نقل از کی‌یف پست، زلنسکی روز جمعه اعلام کرد که نمایندگان آمریکا در آخرین دور مذاکرات دیپلماتیک پرسیده‌اند آیا اوکراین حاضر است نیروهای خود را از دونباس خارج کند و در مقابل، به عضویت پیمان آتلانتیک شمالی درآید.

اهمیت این موضوع در آن است که واشنگتن تاکنون بیشتر بر ارائه تضمین‌های امنیتی جایگزین عضویت رسمی اوکراین در ناتو تمرکز داشته است. اکنون طرح موضوع عضویت، حتی در قالب یک پرسش مقدماتی، می‌تواند نشانه بررسی گزینه‌هایی متفاوت برای حل اختلافات باشد.

بااین‌حال، باید میان مطرح شدن یک احتمال در مذاکرات و ارائه پیشنهادی رسمی و مورد توافق تفاوت قائل شد. زلنسکی نیز تأکید کرده که جزئیات این ابتکار هنوز مشخص نیست و گفت‌وگوها درباره آن ادامه دارد.

از سوی دیگر، عقب‌نشینی نظامی از یک منطقه الزاماً به معنای واگذاری حقوقی حاکمیت بر آن نیست. این تمایز برای کی‌یف اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا دولت اوکراین همچنان بر حفظ تمامیت ارضی خود تأکید می‌کند.

خط قرمز کی‌یف کجاست؟

رئیس‌جمهور اوکراین اعلام کرده است که کشورش تحت هیچ شرایطی سرزمین‌های تحت کنترل روسیه را به‌صورت قانونی بخشی از خاک این کشور به رسمیت نخواهدشناخت.

این موضع نشان می‌دهد که حتی اگر کی‌یف درباره تغییر آرایش نیروهای نظامی مذاکره کند، پذیرش رسمی حاکمیت روسیه بر مناطق مورد اختلاف همچنان خارج از چارچوب اعلام‌شده دولت اوکراین قرار دارد.

زلنسکی همچنین گفته است اگر آمریکا و سایر اعضای ناتو پیشنهادی مشخص شامل عضویت، تضمین‌های امنیتی الزام‌آور و تأمین مالی بازسازی ارائه کنند، موضوع را برای بررسی به مردم اوکراین خواهد سپرد. ارجاع احتمالی چنین تصمیمی به افکار عمومی، اهمیت داخلی مسئله را آشکار می‌کند. پس از سال‌ها جنگ، هر توافقی که با عقب‌نشینی از مناطق مورد مناقشه همراه باشد، نیازمند پشتوانه سیاسی و اجتماعی گسترده خواهد بود.

درواقع، زلنسکی با طرح ضرورت مراجعه به جامعه اوکراین، تلاش می‌کند مسئولیت تصمیمی تاریخی را از سطح دولت فراتر ببرد؛ تصمیمی که می‌تواند بر مرزهای عملی، امنیت آینده و ساختار سیاسی کشور تأثیر بگذارد.

معمای بزرگ ماده پنج

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مذاکرات به نوع تضمین‌های امنیتی اختصاص دارد. کی‌یف معتقد است پایان جنگ بدون ایجاد سازوکاری معتبر برای جلوگیری از حمله دوباره روسیه، صلحی شکننده به همراه خواهد داشت.

ماده پنج پیمان ناتو بر اصل دفاع دسته‌جمعی استوار است؛ به این معنا که حمله مسلحانه به یکی از اعضا، موضوعی مرتبط با امنیت تمامی اعضای ائتلاف محسوب می‌شود.

زلنسکی عضویت کامل در ناتو را مطمئن‌ترین گزینه می‌داند، اما درعین‌حال درباره ترتیبات جایگزین نیز گفت‌وگو کرده است. این ترتیبات می‌تواند شامل توافق‌های دفاعی دوجانبه، استقرار تجهیزات نظامی، سامانه‌های پدافندی و تعهدات مشخص آمریکا و کشورهای اروپایی باشد.

بااین‌حال، تفاوت مهمی میان عضویت رسمی و دریافت تضمین‌های مشابه ناتو وجود دارد. تعهدات دوجانبه لزوماً از سازوکار حقوقی و سیاسی یکسانی برخوردار نیستند و میزان اعتبار آنها به مفاد توافق و اراده دولت‌های تضمین‌کننده وابسته است.

از همین رو، پرسش اصلی تنها دریافت وعده حمایت نیست، بلکه چگونگی اجرای آن در صورت بروز بحرانی تازه خواهد بود.

مخالفت مسکو؛ مانع اصلی توافق

پیشنهاد احتمالی واشنگتن با تناقضی راهبردی روبه‌روست. روسیه طی سال‌های گذشته مخالفت با گسترش ناتو به شرق را یکی از محورهای اصلی سیاست امنیتی خود معرفی کرده است. بنابراین، پذیرش عضویت اوکراین در این ائتلاف، حتی در برابر عقب‌نشینی نیروهای کی‌یف از دونباس، تصمیمی ساده برای کرملین نخواهد بود.

از نگاه مسکو، عضویت اوکراین در ناتو می‌تواند به معنای گسترش تعهدات دفاعی غرب تا مرزهای روسیه باشد. در مقابل، کی‌یف همین عضویت را عاملی برای جلوگیری از تکرار جنگ می‌داند.

این تضاد، هسته اصلی بن‌بست مذاکرات است: آنچه برای اوکراین تضمین امنیت محسوب می‌شود، از دیدگاه روسیه می‌تواند تهدیدی راهبردی تلقی شود.

افزون بر این، مسکو خواستار به‌رسمیت‌شناختن وضعیت سرزمینی موردنظر خود است؛ مطالبه‌ای که زلنسکی صریحاً آن را رد کرده است. بنابراین، حتی توافق درباره عقب‌نشینی نظامی نیز لزوماً اختلاف بر سر حاکمیت را برطرف نخواهد کرد.

اروپا و آینده معماری امنیتی

در کنار آمریکا و روسیه، کشورهای اروپایی نیز در سرنوشت این پیشنهاد نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. عضویت اوکراین در ناتو مستلزم موافقت تمامی اعضای ائتلاف است و واشنگتن نمی‌تواند به‌تنهایی چنین تعهدی را نهایی کند.

زلنسکی از حمایت دانمارک و برخی کشورهای شمال اروپا سخن گفته و معتقد است پیوستن ارتش جنگ‌آزموده اوکراین به ناتو می‌تواند توان دفاعی این سازمان را تقویت کند.

بااین‌حال، اختلاف دیدگاه میان اعضای ائتلاف درباره میزان تعهد در برابر روسیه، یکی از موانع احتمالی خواهد بود. کشورهای اروپایی باید میان حمایت از امنیت اوکراین و مدیریت خطر رویارویی مستقیم با مسکو توازن برقرار کنند.

ابوظبی؛ آغاز مسیر یا تکرار بن‌بست؟

اظهارات زلنسکی پس از مذاکرات سه‌جانبه ابوظبی مطرح شده؛ گفت‌وگوهایی که به پیشرفت در موضوع تبادل زندانیان انجامیده، اما اختلافات بنیادین را حل نکرده است.

قرار است رایزنی‌های بعدی با حضور استیو ویتکاف و جرد کوشنر، فرستادگان آمریکا، در مسکو دنبال شود. این مرحله می‌تواند نشان دهد کرملین تا چه اندازه برای بررسی ترتیبات امنیتی تازه آمادگی دارد.

در مجموع، پیشنهاد عقب‌نشینی از دونباس در برابر عضویت در ناتو، بیش از آنکه توافقی آماده اجرا باشد، آزمونی برای سنجش خطوط قرمز طرف‌های درگیر است. موفقیت آن به موافقت روسیه، اجماع اعضای ناتو، پذیرش جامعه اوکراین و تعیین سازوکاری معتبر برای تضمین صلح وابسته خواهد بود.

جنگ اوکراین اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته که پایان درگیری‌ها تنها به ترسیم خطوط جدید روی نقشه محدود نمی‌شود. مسئله اصلی، ایجاد ترتیباتی است که مانع آغاز جنگی دیگر شود؛ هدفی که دستیابی به آن همچنان دشوار به نظر می‌رسد.

لغو بیش از ۱۱ هزار پرواز در آمریکا

چرا آسمان آمریکا بسته شد؟

بازگشایی حریم هوایی آمریکا پس از توقف کم‌سابقه پروازها، به معنای پایان آشفتگی در فرودگاه‌های این کشور نبود. هزاران مسافر همچنان در انتظار تعیین تکلیف سفرهای خود هستند و شرکت‌های هواپیمایی برای بازگرداندن شبکه پروازی به وضعیت عادی تلاش می‌کنند. اختلالی که روز جمعه در سامانه‌های ارتباطی کنترل ترافیک هوایی رخ داد، تنها چند ساعت طول کشید، اما پیامدهای آن به روزهای بعد کشیده شده است. این اتفاق علاوه بر ایجاد مشکلات گسترده برای مسافران، بار دیگر مسئله فرسودگی زیرساخت‌های حیاتی آمریکا را به موضوعی جدی در محافل سیاسی تبدیل کرده است؛ مسئله‌ای که اکنون دولت دونالد ترامپ را با پرسش‌هایی درباره ضرورت نوسازی سامانه‌های حساس و پیشگیری از بحران‌های مشابه روبه‌رو می‌کند.

پایان توقف، آغاز سرگردانی

به گزارش یورونیوز، اداره هوانوردی فدرال آمریکا شامگاه جمعه پس از رفع اختلال در شبکه مخابراتی، دستور توقف سراسری پروازها را لغو کرد. این نهاد اعلام کرد پیش از صدور مجوز ازسرگیری فعالیت‌ها، سامانه‌های مربوط را آزمایش کرده تا از پایداری و ایمنی عملیات اطمینان حاصل شود.

بااین‌حال، صبح شنبه همچنان هزاران پرواز با تأخیر یا لغو مواجه بودند. بر اساس اطلاعات وب‌سایت فلایت‌اویر، روز جمعه بیش از هشت هزار و ۸۶۰ پرواز لغو شد و تا صبح شنبه نیز حدود دو هزار و ۶۵۰ پرواز دیگر به این فهرست اضافه شد. به‌این‌ترتیب، شمار پروازهای لغوشده طی دو روز از ۱۱ هزار و ۵۰۰ مورد فراتر رفت. این آمار نشان می‌دهد که بازگشایی آسمان لزوماً به معنای بازگشت فوری نظم نیست. شبکه حمل‌ونقل هوایی به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است و توقف چندساعته می‌تواند برنامه پروازها را برای روزهای متوالی مختل کند.

شان دافی، وزیر حمل‌ونقل آمریکا، علت اصلی بحران را فرسودگی سامانه‌های کنترل ترافیک هوایی عنوان کرده است. به گزارش رویترز، او توضیح داد که تجهیزات ارتباطی و مسیریاب‌های شبکه بر اثر افزایش بار داده با اختلال مواجه شدند و مسئولان برای جلوگیری از خطرات احتمالی، تصمیم به توقف پروازها گرفتند. این توضیحات از یک تناقض قابل توجه پرده برمی‌دارد. آمریکا با برخورداری از یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های هوانوردی جهان، همچنان در بخش‌هایی از زیرساخت کنترل پرواز به فناوری‌های قدیمی وابسته است. وزیر حمل‌ونقل آمریکا خواستار اختصاص ۵۰ میلیارد دلار برای نوسازی این سامانه شده است. او هشدار داده که بدون تأمین منابع لازم، احتمال تکرار چنین اختلالاتی وجود خواهد داشت.

البته فرسودگی زیرساخت‌ها مسئله‌ای محدود به دولت کنونی نیست و ریشه در سال‌ها تصمیم‌گیری درباره بودجه، نگهداری تجهیزات و اولویت‌های سرمایه‌گذاری دارد. بااین‌حال، مدیریت پیامدهای آن اکنون بر عهده دولت ترامپ است.

هزینه‌ای فراتر از بلیت هواپیما

توقف پروازها تنها برای شرکت‌های هواپیمایی زیان‌آور نیست. مسافران گرفتار در فرودگاه‌ها، خانواده‌هایی که برنامه سفرشان مختل شده و کسب‌وکارهایی که به جابه‌جایی سریع وابسته‌اند، همگی از چنین بحرانی تأثیر می‌پذیرند. به گزارش آسوشیتدپرس، برخی مسافران ساعت‌ها در هواپیما یا سالن‌های انتظار باقی ماندند و ناچار شدند برای یافتن مسیر جایگزین، هزینه‌های تازه‌ای بپردازند.

در چنین شرایطی، شرکت‌های هواپیمایی نیز با مسئله جابه‌جایی دوباره هواپیماها و خدمه مواجه می‌شوند. ممکن است یک هواپیما آماده پرواز باشد، اما خلبان یا مهمانداران آن در شهری دیگر گرفتار شده باشند.

از سوی دیگر، چون منشأ اختلال در سامانه دولتی کنترل پرواز بوده، مسئله جبران خسارت مسافران نیز پیچیده‌تر می‌شود. همین موضوع ضرورت شفافیت درباره حقوق مسافران در بحران‌های سراسری را برجسته می‌کند.

امنیت در اولویت، پاسخ‌گویی در انتظار

مقام‌های آمریکایی تأکید کرده‌اند که توقف پروازها اقدامی پیشگیرانه برای حفظ ایمنی بوده است. وزارت امنیت داخلی نیز اعلام کرده شواهدی مبنی بر وقوع حمله سایبری وجود ندارد.

این موضع نشان می‌دهد که تصمیم اولیه مسئولان با هدف جلوگیری از مخاطرات احتمالی اتخاذ شده است. بااین‌حال، پرسش مهم‌تر به چرایی آسیب‌پذیری شبکه ارتباطی بازمی‌گردد.

چنانچه اختلال در تجهیزات قدیمی بتواند بخش بزرگی از حمل‌ونقل هوایی کشور را متوقف کند، مسئله تنها یک نقص فنی نیست؛ بلکه به میزان تاب‌آوری زیرساخت‌های ملی مربوط می‌شود.

آزمون تازه دولت ترامپ

بحران اخیر در آستانه فصل شلوغ سفرهای تعطیلات آمریکا رخ داده و حساسیت افکار عمومی را افزایش داده است. شرکت‌های بزرگ هواپیمایی ازسرگیری تدریجی فعالیت‌های خود را اعلام کرده‌اند، اما بازگشت کامل به شرایط عادی همچنان زمان می‌برد.

برای دولت ترامپ، این حادثه می‌تواند آزمونی در زمینه مدیریت بحران و نوسازی زیرساخت‌ها باشد. تأمین بودجه، نظارت بر اجرای طرح‌های جدید و پاسخ‌گویی درباره ضعف‌های موجود، اکنون اهمیتی فراتر از رفع یک اختلال موقت دارد.

در نهایت، آسمان آمریکا دوباره باز شده، اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست: آیا این بحران به اصلاحات ساختاری منجر خواهد شد یا پس از بازگشت پروازها به وضعیت عادی، مشکلات قدیمی بار دیگر به حاشیه خواهند رفت؟

خبر

دلایل استقرار فرماندهی نظامی شورای همکاری خلیج فارس در کویت

سیدرضا صدالحسینی، کارشناس مسائل منطقه در تحلیل علل استقرار فرماندهی نظامی شورای همکاری خلیج فارس در کویت در گفت‌وگو با ایلنا اظهار کرد: اخیراً در کویت تصمیمی مطرح شده که به نظر می‌رسد پیشینه آن به دوحه و بحرین بازمی‌گردد. بر اساس این تصمیم، کشورهای حوزه خلیج فارس و اعضای شورای همکاری خلیج فارس درصدد هستند در حوزه تمهیدات امنیتی و نظامی، مجموعه‌ای جدید را طراحی و تأسیس کنند اما نکته مهم این است که این نخستین بار نیست که شورای همکاری خلیج فارس چنین تصمیمی اتخاذ می‌کند.

وی ادامه داد: پیش از این، در سال ۱۹۸۱، این موضوع مطرح شد و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، از زمان شکل‌گیری این شورا، در حوزه پشتیبانی نظامی، هیچ کمکی را از صدام در تقابل با ملت ایران دریغ نکردند. در سال ۲۰۱۳ نیز بار دیگر این مسئله مطرح شد و کشورهای مذکور به دنبال آن بودند که به‌نوعی ظرفیت‌هایی برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی ایران ایجاد کنند؛ موضوعی که در ارتباط با جزایر سه‌گانه نیز مطرح شد، اما در نهایت به نتیجه نرسید.

این تحلیلگر مسائل سیاسی تصریح کرد: در تحولات اخیر، به‌ویژه پس از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ملت ایران و شکست آن‌ها در این جنگ، همچنین وارد شدن ضربات غیرقابل جبران به زیرساخت‌های نظامی کشورهای منطقه که در واقع تحت مدیریت و حمایت آمریکا و پایگاه‌های نظامی این کشور قرار داشتند، بار دیگر موضوع بازنگری در ساختار دفاعی این کشورها مطرح شده است. این مسئله نشان می‌دهد که کشورهای مذکور به این واقعیت پی برده‌اند که آمریکا توانایی لازم برای دفاع از آن‌ها را ندارد.

وی افزود: البته این نخستین نشانه از چنین برداشتی نیست. اگر اقدام اخیر در کویت، مبنی بر تشکیل یک مجموعه نظامی و دفاعی مستقل برای کشورهای منطقه، را در کنار نشست سه‌جانبه مکه قرار دهیم، کاملاً مشخص می‌شود که یکی از مسائل اصلی و نگرانی‌های کشورهای همسایه و حوزه خلیج فارس، ناتوانی آمریکا در تأمین امنیت و دفاع نظامی از آن‌ها است. بنابراین، می‌توان گفت خلأ امنیتی و نظامی ایجادشده در منطقه، این کشورها را به اتخاذ چنین تصمیماتی واداشته است. از سوی دیگر، نگرانی نسبت به آینده حضور نظامی آمریکا و احتمال خروج کامل این کشور از منطقه نیز یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری این رویکرد به شمار می‌رود.

صدالحسینی گفت: نکته دوم این است که به نظر می‌رسد پشت این طرح‌ها، دو کشور آمریکا و عربستان سعودی نقش اساسی دارند. البته با توجه به اینکه این طرح‌ها در چارچوب دیدگاه‌ها و سیاست‌های آمریکا دنبال می‌شوند، بعید نیست که رژیم صهیونیستی نیز در پشت صحنه این تحولات حضور داشته باشد. هرچند در خصوص اتفاقات و مواضع مطرح‌شده تاکنون، نشانه مشخصی از حضور مستقیم رژیم صهیونیستی وجود ندارد، اما نمی‌توان احتمال نقش‌آفرینی آن را به‌ویژه در پشت صحنه، در حوزه‌های امنیتی، تأمین برخی اقلام و تجهیزات راداری و همچنین فراهم‌سازی زیرساخت‌های موردنیاز برای این اقدام نظامی و امنیتی نادیده گرفت.

وی اضافه کرد: ممکن است این سؤال مطرح شود که اساساً این اقدامات در مقابل چه قدرت یا کشوری طراحی شده‌اند؟ به نظر می‌رسد به‌صورت تلویحی، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان طرف مقابل این طرح‌ها در نظر گرفته شده است. طبیعتاً جمهوری اسلامی ایران نیز نمی‌تواند نسبت به چنین تحرکاتی بی‌تفاوت باشد و باید واکنش‌های لازم را در قبال آن‌ها در نظر بگیرد.

این کارشناس مسائل خاورمیانه خاطرنشان کرد: باید توجه شود که در روزهای منتهی به جنگ، هم‌زمان با افزایش تهدیدات آمریکا، جمهوری اسلامی ایران تعاملات و هشدارهایی را خطاب به کشورهای منطقه در پیش گرفت. همچنین، پس از جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه، پذیرش هیئت‌های سه کشور ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی در ایران و نیز اعلام این موضوع از سوی دبیر شورای عالی امنیت ملی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران طرح‌های فراگیر و بومی برای تأمین امنیت منطقه در اختیار دارد، از جمله موضوعات مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

وی گفت: به نظر می‌رسد این اقدامات را می‌توان نوعی واکنش زودهنگام و پیش‌دستانه در برابر تحرکات فعلی دانست و بر همین اساس، ضرورت دارد تعاملات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه افزایش یابد و این روند با جدیت بیشتری دنبال شود.

شدید فشارهای واشنگتن بر مکزیک در آستانه بازنگری نفتا

زمین جدید نبرد اقتصادی آمریکا و چین

ابتکار- اختلاف میان آمریکا و چین بر سر نفوذ اقتصادی در آمریکای لاتین، با افزایش فشارها بر مکزیک وارد مرحله تازه‌ای شده است. در آستانه بازنگری توافق تجارت آزاد آمریکا، مکزیک و کانادا موسوم به «یواس‌ام‌سی‌ای»، واشنگتن خواهان محدود شدن روابط تجاری مکزیک با چین است؛ رویکردی که با واکنش صریح پکن مواجه شده است. سفارت چین در مکزیک با رد اتهامات مطرح‌شده علیه شرکت‌های چینی، بر حق این کشور برای انتخاب مستقل شرکای اقتصادی تأکید کرده است. این اختلاف نشان می‌دهد که رقابت دو قدرت بزرگ اقتصادی جهان دیگر به تعرفه‌های تجاری محدود نیست و به موضوعاتی مانند سرمایه‌گذاری، فناوری و جایگاه کشورهای همسایه آمریکا در زنجیره‌های تأمین جهانی گسترش یافته است.

مکزیک زیر فشار واشنگتن

به گزارش گلوبال تایمز، سفارت چین در مکزیک در واکنش به اظهارات لری روبین، رئیس انجمن آمریکایی مکزیک، از تلاش برای محدود کردن همکاری‌های اقتصادی دو کشور انتقاد کرده است. روبین پیش‌تر خواستار بازبینی فعالیت شرکت‌های چینی، از جمله هواوی، در مکزیک شده بود. او همچنین بر ضرورت محدودسازی روابط تجاری مکزیک با چین در جریان بازنگری توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی تأکید کرده است. سفارت چین این اظهارات را فاقد مستندات کافی دانسته و اعلام کرده که تعیین شرکای اقتصادی مکزیک باید براساس تصمیم مستقل این کشور انجام شود. این موضع‌گیری در شرایطی مطرح شده که بازنگری توافق تجاری سه کشور آمریکای شمالی، فرصتی برای طرح دوباره اختلافات اقتصادی و تعیین قواعد همکاری در سال‌های آینده فراهم کرده است.

توافقی فراتر از تجارت

توافق یواس‌ام‌سی‌ای که جایگزین پیمان نفتا شد، چارچوب اصلی تجارت میان آمریکا، مکزیک و کانادا را تشکیل می‌دهد. اهمیت این توافق برای مکزیک به وابستگی گسترده بخش تولید و صادرات این کشور به بازار آمریکا بازمی‌گردد.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی، از جمله بنگاه‌های چینی، بخشی از ظرفیت صنعتی مکزیک را تقویت کرده است. در چنین شرایطی، مکزیک با مسئله‌ای پیچیده مواجه است: حفظ دسترسی به بازار بزرگ آمریکا و هم‌زمان بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و همکاری با سایر اقتصادهای جهان.

فشار برای محدود کردن حضور شرکت‌های چینی می‌تواند انتخاب‌های اقتصادی مکزیک را تحت تأثیر قرار دهد. بااین‌حال، واشنگتن نیز روابط تجاری با کشورهای همسایه را از منظر امنیت زنجیره تأمین و رقابت فناوری بررسی می‌کند.

هواوی؛ نماد رقابت فناوری

طرح نام هواوی در این اختلاف، نشان‌دهنده اهمیت روزافزون فناوری در مناسبات اقتصادی دو قدرت است. شرکت‌های فعال در حوزه ارتباطات و زیرساخت‌های دیجیتال، علاوه بر جایگاه تجاری، در مباحث مربوط به امنیت داده‌ها و استقلال فناوری نیز مورد توجه قرار دارند. آمریکا طی سال‌های گذشته نسبت به فعالیت برخی شرکت‌های فناوری چینی نگرانی‌هایی مطرح کرده است. در مقابل، پکن این محدودیت‌ها را اقدامی در جهت مهار رقابت‌پذیری شرکت‌های خود می‌داند.

سفارت چین در مکزیک نیز تأکید کرده که شرکت‌های چینی موظف به رعایت قوانین محلی، احترام به مقررات و انجام مسئولیت‌های اجتماعی هستند.

به گفته این سفارت، سرمایه‌گذاری بنگاه‌های چینی به ایجاد اشتغال و توسعه صنعتی مکزیک کمک کرده است؛ ادعایی که ارزیابی دقیق ابعاد آن نیازمند بررسی مستقل آمار سرمایه‌گذاری و اشتغال است.

رقابت بر سر آمریکای لاتین

اهمیت اختلاف اخیر فراتر از روابط دوجانبه چین و مکزیک است. آمریکای لاتین در سال‌های گذشته به یکی از عرصه‌های مهم رقابت اقتصادی قدرت‌های بزرگ تبدیل شده و چین تلاش کرده است از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها، حضور خود را در این منطقه گسترش دهد.

در مقابل، آمریکا حفظ پیوندهای اقتصادی با کشورهای همسایه را بخشی از راهبرد تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین رقیب می‌داند.

مکزیک به دلیل همسایگی با آمریکا، ظرفیت صنعتی و دسترسی به بازار آمریکای شمالی، جایگاهی ویژه در این رقابت دارد. همین موقعیت، تصمیم‌گیری درباره همکاری با شرکت‌های چینی را برای دولت مکزیک حساس‌تر کرده است.

استقلال اقتصادی در آزمون

سفارت چین در بیانیه خود تأکید کرده که پکن و مکزیک براساس احترام متقابل همکاری می‌کنند و هیچ طرف خارجی نباید درباره روابط اقتصادی آنها تعیین تکلیف کند. بااین‌حال، استقلال در انتخاب شرکای تجاری برای اقتصادی که پیوندهای عمیقی با بازار آمریکا دارد، صرفاً موضوعی سیاسی نیست. تصمیم‌های مکزیک می‌تواند بر صادرات، سرمایه‌گذاری خارجی، اشتغال و آینده صنایع این کشور اثر بگذارد. ازاین‌رو، دولت مکزیک ناگزیر است میان تعهدات تجاری خود در آمریکای شمالی و فرصت‌های همکاری با چین توازن برقرار کند.



آینده یک رقابت پیچیده

اختلاف بر سر فعالیت شرکت‌های چینی نشان می‌دهد که بازنگری توافق تجاری آمریکای شمالی ممکن است به عرصه‌ای برای طرح مسائل گسترده‌تر ژئوپلیتیکی تبدیل شود. در این میان، هنوز مشخص نیست فشارهای مطرح‌شده تا چه اندازه به محدودیت‌های رسمی علیه شرکت‌های چینی منجر خواهد شد.

آنچه روشن است، افزایش اهمیت مکزیک در رقابت اقتصادی واشنگتن و پکن است. کشوری که اکنون باید در کنار حفظ منافع تجاری خود، پیامدهای سیاسی انتخاب شرکای اقتصادی‌اش را نیز مدیریت کند. آینده این اختلاف می‌تواند نشان دهد که کشورهای آمریکای لاتین تا چه اندازه قادر خواهند بود در فضای رقابت قدرت‌های بزرگ، استقلال تصمیم‌گیری اقتصادی خود را حفظ کنند.